

- الاشتقاق و أقسامه (الاشتقاق الصّغير و هو التّصريف، الاشتقاق الكبير و ما يرجع إليه)
- التّأنيث و التّذكير
- تمييز المفرد و المثني و الجمع
- ۹. صيغ العربيّة و أوزانها
- ۱۰. تعريب الالفاظ اللّخيلة

### المنابع

العين (خليل الفراهيدي)، المحيط (صاحب بن عباد)، الخصائص (ابن الجني)، جمهرة اللّغة (ابن دريد)، الصّاحبي في فقه اللّغة (ابن فارس)، معجم مقاييس اللّغة (ابن فارس)، تاج اللّغة و صحاح العربيّة (الجوهري)، تهذيب اللّغة (الازهرى)، المخصّص (ابن سيّدة)، فقه اللّغة (الثعالبي)، المفردات في غريب القرآن (راغب الاصفهاني)، اساس البلاغة (الزمخشري)، النهاية في غريب الحديث و الاثر (ابن الاثير)، لسان العرب (ابن المنظور)، المصباح المنير (الفيومي)، المظهر في اللّغة (السيوطي)، مجمع البحرين (الطريحي)، الطراز الأوّل (سيد علي خان المدني)، دراسات في فقه اللّغة (صباحي صالح)، فقه اللّغة القرآنية (حيدري) و ...

## ② نصيحة اهل الحديث، نگاشته‌ای در آداب الحديث

احمد براريان<sup>۲</sup>

کتاب «نصيحة اهل الحديث» نوشته ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، معروف به «خطیب بغدادی» از دانشمندان مشهور شافعی است. سال ۳۹۲ق و اطراف بغداد، زمان و مکان تولّد وی بوده و بیشتر عمر خود را در همین شهر گذراند. او برای اخذ حدیث به شهرهای گوناگونی مانند نیشابور، اصفهان، بصره، دمشق و ... سفر کرد. در پایان به بغداد بازگشت و سال ۴۶۳ق در همان شهر، وفات یافت. خطیب بغدادی از استادانی چون ابوحامد اسفراینی (۴۰۶ق)، ابوبکر برقانی (۴۲۵ق) و ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ق) بهره برد. او نگاشته‌های بسیاری در تاریخ، حدیث، فقه، اصول، عقاید، اخلاق و ادبیات دارد؛ اما نوشتارهای تاریخی و حدیثی وی مشهورتر و کتاب «تاریخ بغداد»، شاید، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثرش باشد. بیشتر کسانی که شرح حال خطیب را نوشته‌اند بر جایگاه والای علمی او به‌ویژه در قلمرو حدیث اهل سنت، تأکید کرده‌اند. «تاریخ بغداد» او نیز پر از آموزه‌ها و گزاره‌های حدیثی است.

۲. طلبه حوزه علمیه قم. (bararian.ah@gmail.com)

در روزگار خطیب، آداب الحدیث، از مهم‌ترین موضوعات علم الحدیث بوده، شرط ورود دانش‌پژوهان به میدان حدیث، شمرده می‌شد. این دانشمند پُرکار، کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشت که «الکفایة فی علم الروایة»، «الجامع لاخلق الراوی و آداب السامع»، «الفقیه و المتفقّه» و «نصیحة اهل الحدیث» از آن جمله است.

«نصیحة اهل الحدیث» سال ۱۴۰۸ق، توسط انتشارات «مکتبة المنار، الزرقاء» در ۴۷ صفحه، با تحقیق عبد الکریم احمد الوریات چاپ شد. نویسنده، هدف نگارش این کتاب را بیان نکات عملی و نظری ضروری برای دانش‌پژوهان حدیث، شمرده است. او این نکات را در قالب ۲۵ حدیث و گزارش منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله، خلیفه دوم، شافعی، ابوحنیفه و برخی دیگر از بزرگان اهل سنت ذکر می‌کند. همو، پس از نگارش کتاب، چکیده‌ای از آن را با عنوان «مختصر نصیحة اهل الحدیث» در پنج صفحه نگاشت. بیشتر آموزه‌های کتاب، در بردارنده سفارش‌های کاربردی برای دانش‌پژوهان بوده؛ اما برخی از نکات، جنبه نظری داشته و با هدف تبیین جایگاه حدیث و افزایش اشتیاق فراگیران، آمده است؛ نمونه آن، گزارش هجدهم یعنی گفتگویی بین ابوحنیفه و وکیع است. در این گزارش، وکیع، حدیث را جامع تمام فقه دانسته ولی ابوحنیفه دیدگاه دیگری دارد؛ در پایان، ابوحنیفه مغلوب می‌شود.

با تحلیل روش کتاب، روشن می‌شود که خطیب بغدادی، خواسته، افزون بر دادن پیام به مخاطب مبتدی، او را با آداب عملی فعالیت‌های حدیثی، آشنا کند. این شواهد عبارتند از:

الف) نویسنده با وجود گزیده‌نگاری، سلسله روایان هر حدیث یا گزارش را با عباراتی مانند: «فُلانٌ عَن فُلان»، «فُلانٌ انا»، «فُلانٌ نا»، «فُلانٌ ثنا» آورده است. او حتی برای برخی از گزارش‌ها مانند گزارش سوم، چندین طریق ذکر می‌کند.

ب) برخی از پندهای کتاب، تنها یک متن دارند؛ مانند گزارش نخست و برخی دیگر، دارای چندین متن هستند؛ مانند گزارش‌های یازدهم و دوازدهم. برخی در مقام تفسیر گزارش دیگری است؛ مانند گزارش پنجم نسبت به گزارش چهارم و برخی از مفاهیم، به هم‌پیوستگی روشنی دارد؛ مانند حدیث نهم که روایتی سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام نسبت به گزارش دهم است. گویا برخی از پندها در دیدگاه نویسنده، اهمیت بیشتری داشته یا نیازمند تبیین بوده است. در حقیقت از ۲۵ متنی که در این کتاب آمده، حدود ۱۱ پند به دست می‌آید که عبارتند از: لزوم پرهیز از ریاست‌طلبی برای طالب فهم دین (۱)، طلب علم در سنین جوانی (۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶)، اهتمام به آموختن دانش از بزرگان مورد اعتماد (۷ و ۸)، پرهیز از مراجعه به انسان‌های شرور برای کسب دانش (۷)، پرهیز از مراجعه به افراد کم‌دانش (۷ و ۸)، اکتفا نکردن به اخذ و نقل حدیث و توجه به فهم آن

(۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲)، پرهیز از طلب احادیث گمراه کننده پیش از دستیابی به توان فهم درست حدیث (۱۱ و ۱۲)، لزوم پیروی افراد کم‌دانش از بزرگان (۱۳)، لزوم مقابله بزرگان با تفسیر دین توسط افراد کم‌دانش (۱۳)، پرهیز از عرضه خود به مردم پیش از رسیدن به دانش کافی (۱۶) و لزوم مراجعه به استاد برای یادگیری روش فهم حدیث و حل اشکالات (۲۱).

ج) نویسنده، پندهای خود را در قالب نقل قول‌های دیگران آورده و از زبان خویش مطلبی بیان نکرده است. این روش نیز مانند بقیه روش‌های به کاررفته در کتاب، جنبه تربیتی دارد. در حقیقت، خطیب، خواسته به مخاطبان بیاموزد که چگونه بر سخنان بزرگان، تکیه کرده و حتی برای حرف‌های درست خویش به دنبال مستندی از دانشمندان بگردند.

### ۳) اهمیت اجازه حدیث در دوران گذشته

#### رسول طلائیان<sup>۳</sup>

#### مهدی لاهیجی<sup>۴</sup>

اجازه حدیث در روزگار پیشین، دروازه ورود به قلمرو نشر حدیث بود. حتی کسانی که از این دروازه وارد شده بودند، برای ادامه کار، نیاز به اجازه‌های گوناگونی داشتند. این گواهی علمی، چنان اهمیت داشت که بزرگان حدیث هم نیازمند آن بودند. شیخوخیت، فقاہت و استادی برخی از محدثان، موجب بی‌نیازی آنها از اجازه و حتی اجازات موردی نمی‌شد.

نمونه این اهمیت، در برخورد احمد بن محمد بن عیسی اشعری (شاگرد امام جواد و امام هادی علیهما السلام) با روایات حسن بن محبوب از ابوحمزه ثمالی دیده می‌شود. حسن بن محبوب از اساتید و بزرگان حدیثی شیعه، صحابی امام رضا علیه السلام، فقیهی شناخته شده، مورد اعتماد و کثیر الروایه بود.<sup>۵</sup> ابوحمزه ثمالی هم به عنوان صحابی امام سجّاد، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام جایگاهی شبیه به حسن بن محبوب داشت.<sup>۶</sup> طبقه روایی این دو استاد بزرگ حدیث، به گونه‌ای نبود که حسن بن محبوب بتواند از ابوحمزه نقل حدیث کند؛ چراکه ابوحمزه در سال ۱۵۰ ق و حسن بن محبوب در سال ۲۲۴ ق و در سن ۷۵ سالگی درگذشتند. بنابراین ابن محبوب برای نقل روایات ابوحمزه، باید به سراغ کتاب‌های او برود.

۳. پژوهشگر حوزه علمیة قم.

۴. پژوهشگر حوزه علمیة قم.

۵. ن. ک: الفهرست، ص ۹۶، ش ۱۶۲.

۶. ن. ک: فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۱۵، ش ۲۹۶.